

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۴۵

۲۱ نومبر ۲۰۱۲

راز محبوبیت جنبش عدم تعهد

در نفرت خلق ها از ناتو و بانک جهانی نهفته است !

شانزدهمین کنفرانس سران کشورهای جنبش عدم تعهد چند ماه قبل در تهران برگزار شد. همانطور که انتظارش می رفت، برگزاری کنفرانس موفقیت بزرگ تبلیغاتی برای رژیم آخوندی ولایت فقیه ایران به بار آورد به خصوص از این جهت که نمایندگانی از قدرت های بزرگ آسیائی از قبیل چین و هند، و مصر بزرگترین کشور عربی در حالی در آن شرکت کردند که ایران با انزوای سیاسی و تحریم های اقتصادی از سوی غرب مواجه است و جنگ افروزان ناتو و عمال ایرانی شان با شدت بیشتر از پیش بر طبل جنگ می کوبند. اما دستگاه تبلیغاتی غرب و به خصوص آمریکا که «از هفت تا هفت، هفت روز هفته» گلو پاره می کنند و گرگ را بره و بره را گرگ می نمایند، بساط جمهوری اسلامی را از قبل بر چیده می پندارند و با برجسته ساختن تدویر کنفرانس در میان تدابیر شدید امنیتی، نقش کنفرانس را بی ارزش تبلیغ کردند. اما این ستیزه جوئی با جنبش عدم تعهد در واقعیت امر کمتر ناشی از خصومت غرب با ایران است که در بوسنیا، افغانستان، عراق و لیبیا هم پیمان غرب بوده است و بیشتر از این واقعیت است که جنبش عدم تعهد گاه به گاه در برابر سازمان های نظامی و مالی غرب دهن کجی می کند زیرا کشورهای مثل کوبا، ونزوئلا و چین از اعضای فعال آن اند.

جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۶۱ در بلگراد پایتخت یوگسلاوی سابق پایه گذاری شد و امروز ۱۲۰ عضو دارد. این جنبش در اوج جنگ سرد میان آمریکا و سوسیال امپریالیزم شوروی پا به عرصه وجود گذاشت تا به مثابه وزنه ای در برابر این دو ابرقدرت لجام گسیخته عمل کند. بنیانگذارانش چهره های متنفذ ملی گرا همچون تیتو، جمال ناصر، نهرو، سوکارنو، و چوئن لای انقلابی شهیر چین بودند. تیتو رهبر یوگسلاوی مقتدرترین کشور اروپای شرقی بود. جمال ناصر رهبر بزرگترین کشور عرب و سمبول بی بدیل ناسیونالیزم عرب پس از ملی شدن کانال سوئز بود. سوکارنو که قربانی کودتای مورد حمایت سی آی ای شد، رهبر اندونیزیا بزرگترین کشور مسلمان جهان بود و نهرو از دومین کشور پرنفوس جهان، هند نمایندگی می کرد. نکرومه هم از رهبران مطرح افریقای سیاه و استعمارزده بود که سرشت غارتگران امریکائی را به خوبی می فهمید و هم او بود که اصطلاح «سوسیال امپریالیزم» را در ادبیات سیاسی جهان معرفی کرد تا نشان داده باشد که شوروی در لفظ سوسیالیست ولی در عمل

امپریالیست است. مشخصه عمده این کشورها یا مقاومت قهرمانانه در برابر فاشیسم هیتلری و جاپان در جنگ دوم جهانی بود و یا هم کسب استقلال از بریتانیا و سایر کشورهای استعمارگر اروپایی.

در یک ربع اخیر قرن، جهان شاهد تغییرات عمیق بوده است. پیمان نظامی ورشو شکست خورد و آمریکا از جنگ سرد با شوروی فاتح بدر آمد و تا توانست نظم نوین جورج بوش را بر جهان مسلط گردانید. یوگسلاویا را مطابق سیاست «نان» پارچه پارچه و بالکانیزه کرد و هر لقمه اش را جداگانه بلعید. آمریکا بالاخره به افغانستان و قلب شرق میانه لشکرکشی کرد. در همین حال شعله های جنگ های ارتجاعی در لیبیا و سوریه و لبنان و فلسطین زبانه می کشد. نهادهای نفرت انگیز مالی غرب از قبیل بانک جهانی و صندوق وجهی بین المللی پول (آی ام اف) مصروف چپاول ملل محروم جهان اند. کشورهای جنبش عدم تعهد که عمدتاً از سوی بورژوازی ملی رهبری می شدند، امروز دربست در اختیار بورژوازی وابسته به انحصارات غربی اند که زیر نام شرکت های چندملیتی سرنوشت صدها میلیون انسان دربند را رقم می زنند.

اگر چه جنبش عدم تعهد هرگز نتوانست تکیه گاه حقیقی ملت های محروم باشد اما از این که در مفاد اصولنامه اش احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت یک دیگر، عدم تجاوز به یک دیگر و عدم دخالت در امور داخلی یک دیگر گنجانیده شده است، به همین دلیل این جنبش برای محرومان جهان که مفاهیمی مثل استقلال و تمامیت ارضی را همچون مردمک چشم عزیز می دارند، جاذبه دارد. اما کم نیستند تحصیلکردگان خود فروخته و مزدگیری که «جهان را در حال وابستگی متقابل کشورها» می بینند و با گلو پارگی برای «جهانی شدن»، استقلال را بی معنی و مفهوم جار می زنند. این دسته که استقلال و آزادی را مفاهیم فریب دهنده تبلیغ می کنند فریبکاری اند که به عمد فراموش می کنند ایالات متحده در بیشتر از شصت کشور جهان نزدیک به ۱۰۰۰ پایگاه نظامی دارد، اما هیچ یک از کشورهای جهان به اندازه یک بند انگشت هم خاک آمریکا را در تصرف ندارد.

کنفرانس جنبش عدم تعهد در حالی در تهران برگزار شد که قسمت های وسیعی از شرق میانه و شمال افریقا در خون غوطه ور است. لیبیا که از حاکمیت دیکتاتور مضحکی مثل قذافی رهائی یافته است، اکنون در چنگال جنگسالارانی است که به جان هم افتاده اند و کشور را در آستانه تجزیه و انهدام کامل قرار داده اند؛ جنگسالارانی که وظیفه اصلی شان را که تأمین انتقال بی درد سر نفت لیبیا به اروپا و زمینه سازی ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در شمال افریقا است، به خوبی انجام می دهند؛ اما اوباشان و اجامر گاه گاه به سبک بنگازی از ولینعمتان خود سیاستگری می کنند. مار دم خود را خورد، پروا ندارد، بهار است دیگر.

از سوی دیگر دولت معامله گر ترکیه برای برآورده ساختن اهداف غارتگرانه آمریکا و فرانسه از یک و نیم سال به اینطرف در سوریه ترک تازی می کند؛ و هر روز که می گذرد، هست و بود سوریه در تنور آتش جنگ سنی و شیعه، مثنی خاکستر می شود. دولت مرتجع و قرون وسطائی عربستان نیز برای پیاده کردن «دموکراسی» در سوریه بی تابانه لحظه شماری می کند؛ دموکراسی که نمونه اش را در افغانستان دوره طالبان و جنگ های کابل شاهد بودیم. سوریه هر چند که تحت حاکمیت رژیم غیر دموکراتیک حزب بعث است، اما از لحاظ فرهنگی و اجتماعی کشورپرست دارای فرهنگ غنی و جامعه ای با مدارا و تنوع مذهبی و قومی و حکومت سکولار که جامعه و حکومت فرسوده و فاسد عربستان سعودی باید برای دهه ها در برابرش زانو بزنند و از آن بیاموزد.

در همین حال ایران به جنگ زرگری با آمریکا ادامه می دهد؛ ایران که هرگز نافش را از آمریکا و نهادهای مالی غرب نبریده است و افتضاح ایران کنتر و همکاری اطلاعات ایران با آمریکا در افغانستان و عراق مؤید این مدعاست، اینبار با وضعیت بسیار دشوار مواجه است. جمهوری اسلامی که حاضر است تا آخرین قطره خون

فلسطینی ها علیه اسرائیل بجنگد، مشارکت در «مدیریت جهان» را حق مسلم خود می داند و امریکا را شیطان بزرگ خطاب می کند، صفتی که تنها و تنها امریکا را به وجد می آورد، و در برابر گوانتاناموی امریکا، کهریزک را دارد، گاهی تهدید به بستن تنگه هرمز می کند، و گاهی محو اسرائیل از صفحه روزگار، اما دیگر آن مترسکی نیست که امریکا برای ترساندن و تأدیب عربستان و قطر و امارات به آن ضرورت داشته باشد.

ایران خود را «حامی» کشورهای محروم جهان قلمداد می کند اما در داخل ایران کوچکترین صدای آزادیخواهی با بسیج و کهریزک و اعدام جواب داده می شود. سپاه بر امور سیاسی و مالی کشور حکم می راند و به مثابه کلانترین سکتور اقتصادی کشور عمل می کند. از سوی دیگر امریکا هر لحظه آماده است حقوق بشر و مدال های عفو بین الملل خودش را به کشورهای محروم جهان پیشکش کند در حالی که از زمان پیدایش تا امروز امریکا هیچ سالی را بدون جنگ پشت سر نگذاشته است. این همه لشکرکشی و پایگاه و تأسیسات نظامی و پیشرفت های تسلیحاتی ممکن نیست مگر این که ملتاریزم در داخل کشور حاکم و جنگ بر همه امور مقدم باشد.

امریکا در دو سال اخیر، تسلیحاتی به ارزش هشتاد میلیارد دلار به عربستان و امارات فروخته است. و ایران هم رفته رفته سوریه را که متحد ستراتیژیکش است و تنها کشور عربی بود که در جنگ ایران و عراق در کنار ایران ایستاد، از دست می دهد. امریکا و اسرائیل که بیش از سه دهه است از ذخایر وسیع نفت و گاز ایران بی بهره بوده اند، به بهانه برنامه اتمی ایران در پی حمله به ایران اند تا عمال سلطنت طلب و غیر سلطنت طلب و به شدت وابسته به غرب را سر کار بیاورند. چنانچه در سراسر جهان شاهد بوده ایم، در صورت حمله نظامی اسرائیل و امریکا به این کشور، این خلق های محروم و در بند رژیم آخوندی و فاشیستی ایران خواهند بود که قربانی مدرن ترین تسلیحات اشغالگران خواهند شد و شیرازه مادی ایران نابود خواهد شد، البته دود این جنگ غارتگرانه به چشم های خلق زحمتکش و محروم کشور ما نیز خواهد رسید.